

وزیر ارشاد:

## ایراد ما به حوزه نمایش خانگی محتوایی است

وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی با بیان اینکه نسبت به خشونت و سیاه‌منمایی در برخی سریال‌های نمایش خانگی انتقاد وجود دارد، گفت: ایراد ما به این سریال‌ها محتوایی است. به گزارش ایسنا، محمد مهدی اسماعیلی دبیر روز در حاشیه جلسه هیأت دولت درباره نظارت بر فیلم و سریال‌های نمایش خانگی اظهار کرد: این موضوع به زودی با سامانه بسیاری خوبی تحت نظارت سازمان سینمایی در خواهد آمد. بخش سریال‌ها هم فعلاً با توافقی که داشتیم در حال انجام شدن است تا توافق نهایی در شورای عالی انقلاب فرهنگی اتفاق بیفتد.



محمدحسن خدایی

با نگاهی به آثاری که این شب‌ها در سالن‌های نمایش کلانشهر تهران بر صحنه است، می‌توان میل به تجربه‌گرایی را در بعضی گروه‌های اجرایی مشاهده کرد. نوعی فراتر رفتن از فرم‌های تجربه‌شده و تمای مواجهه با مخاطرات فضاهای نامکشوف اجرایی. در این مسیر پر فراز و نشیب، بی‌شک احتمال خطا و شکست بیش از کامیابی است اما با تمامی این مسائل، همچنان با رقه‌هایی از امید بر مامی تابد و دلگرمی می‌کند. نتاثر این روزها سرگردان است و بعد از حوادث سیاسی پاییز ۱۴۰۱ بیش از گذشته با بحران بازی‌های واقعیت‌روبرو است و در نتیجه می‌بایست فرم‌های اجرایی خویش را از نو بسازد. بدن‌هایی که در پی عملیات سیاسی هستند و به راحتی تن به اقتیاد نظم‌نمادین نمی‌دهند. نتاثر این روزها اگر دست به آفرینش فرم‌های نوین و رادیکال نزدیک به باز حتم‌پدیده‌ای است محافظه‌کارانه در خدمت طرز تولید روال عادی امور. به میانجی فرم‌های ناپهنگام و خلاقانه و رادیکال است که می‌توان «نو» را به انتظار نشست و از «حقیقت» سخن گفت. ایده «تداوم و گسست» یکی از پرسش‌های مطرح در زمانه‌ای است که امور فرهنگی فاقد سنت شده و شجاعت گسست از میراث گذشته به امری کامیاب بدل گشته است. دیالکتیک تداوم و گسست، همچنان مسئله‌دیرروز و امروز و فردای ما خواهد بود.

در این شماره از روزنامه به بررسی اجمالی دو اجرای متفاوت تئاتری می‌پردازیم که این شب‌ها در پی تجربه کردن فرم‌های تجربه‌شده تئاتری هستند.

## می‌توان نمایش «معبداقیانوس» را تجربه‌ای قابل اعتنا در به صحنه آوردن تئاتری دانست که می‌خواهد تلفیقی باشد از ژانرهای مختلف. این نمایش در واقع راهی تازه گشوده اما تا رسیدن به مقصد مسیر طولانی در پیش دارد

### نمایش اول - وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم

مجتبی جدی در مقام کارگردان این شب‌ها خوانشی کامیاب وفادارانه از متن مارتین کریمپ در سالن انتظامی خانه هنرمندان به صحنه آورده است. با آنکه متن نمایشنامه به لحاظ محدودیت‌های زمانی، کوتاه شده، اما کلیت ماجرا چندان تغییر نکرده و توانسته رابطه پر تنش زن و مرد نمایشنامه را انتقال دهد. مارتین کریمپ با نگاهی به‌رمان «پاملا» نوشته ساموئل ریچارسون، مولفه‌هایی چون عشق، مالکیت، فرادستی و فرودستی در یک رابطه انسانی به میانجی طبقه اجتماعی و جنسیت را روایت می‌کند. گویی زن و مرد نمایشنامه مارتین کریمپ برای آزار دادن

### گزارش

وداع با چهره ماندگار و استاد مسلم ادبیات

## امیربانو کریمی در خاک آرمید



مراسم تشییع و خاکسپاری پیکر امیربانو کریمی، استاد پیشکسوت زبان و ادبیات فارسی، دیرروز (چهارشنبه، سیزدهم دی) در قطعه ۸۰ بهشت‌زهرای تهران برگزار شد. به گزارش ایسنا، روح‌الله هادی، استاد زبان و ادبیات فارسی با تسلیت به حاضران در سخنانی گفت: امروز بانویی را از دست داده‌ایم که نمونه کامل یک زن با فرهنگ، باوقار، صاحب‌آزادگی، دانش و فضیلت با هم بود. او افزود: برای ما همکاران ایشان در دانشگاه تهران و کسانی که از دانشگاه ادبیات فارغ‌التحصیل شده‌اند، هر بار از راهرو دانشگاه می‌گذرند، قامت‌رشدیاد که به‌واقع همه چیز تمام بود، در نظر ما جلوه‌گر است. امیدوارم خداوند ایشان را در سفره کرامت خود مهمان کند و نبود ایشان را با خانم‌های دانشمندی که از میان دانشجویان ایشان در دانشگاه تهران پیدا خواهند شد، جبران کند. هادی در ادامه سخنان خود گفت: هر گاه نام خانم دکتر کریمی شنیده می‌شود، خانواده فضل و فضیلت به یاد می‌آید. از یک سو همه به یاد امیری و فیروز کوهی (پدر شاعر ش)

## درباره نمایش‌های «وقتی آنقدری که باید هم راز جر داده‌ایم» و «معبداقیانوس»

# تجربه فرم‌های ناپهنگام تئاتری



یکدیگر می‌ریختند و در چشم تماشاگران بازی می‌کنند. تا به انتها معلوم نمی‌شود برای کدام یک مشغول بازی کردن شده‌اند. در این فضای دوپاره، تماشاگران هم می‌بایست تصمیم بگیرند که تماشا می‌کنند یا یک بنشینند: بدن بازیگران یا تصاویر این بدن‌ها را بر مانیپول‌های صحنه. در طول اجرا، کارگردان نمایش، بای‌درون صحنه و بای‌درون آن دارد. او به فراخور اجرا، بدل به یکی از اجراگران شده و همچنین در مقام کارگردان گروه اجرایی راه‌دایت می‌کند. بنابراین در دقایقی از اجرا، کارگردان فرادستانه در صحنه حضور پیدا کرده و فی‌المثل جایگاه دوربین فیلمبرداری و بازیگران را تعیین می‌کند. رویکردی هوشمندانه علیه اقتدار گرایی بازیگر مرد در قبال بازیگر زن که در ادامه به شکل متناقض نمای، موقعیت فرادستی را به جایگاه نمادین کارگردان می‌بخشد. البته نباید یاد برد که جنگی پنهان بر سر هژمونیک شدن نیروهای درگیر در صحنه در جریان است. در این نبرد طولانی، برنده نهایی وجود ندارد بلکه سیالیت و جایجایی مدام است که به‌وقوع می‌پیوندد و تنش همیشگی مابین واقعیت و تصویر را از نو متعین می‌کند.

نمایش دوم - معبداقیانوس

نمایشنامه «معبداقیانوس» بازگشت محمد میرعلی اکبری به فضاهای ماورالطبیعه و جادویی است که فی‌المثل در نمایش «سفر به نهایت دور» تجربه کرده. ماجرا در رابطه با یک منطقه دور افتاده در سال ۱۳۵۶ است که گویا قرن‌ها پیش، اتفاقات شگرفی در آن حادث شده و برای باستان‌شناسان امروزی بدل به مکانی گشته از برای آشکار کردن رمز و رازهای دوران باستان و دستیابی به میراث‌نیاکان گذشته. محمد میرعلی اکبری با تلفیق ژانرهای مختلف درام، جهانی خلق کرده که یادآور آثار مهم علمی-تخیلی، درام‌های پلیسی و تاریخ معاصر سیاسی است. از جاعاتی که به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

### نمایش «وقتی آن قدری که باید هم راز جر داده‌ایم» تجربه‌ای جسورانه از کارگردانی است که بیش از این نشان داده به ریتیم‌های کند و فضاهای کنترل شده از نظر احساسی گرایش دارد. حال این استراتژی کنار گذاشته شده و شکل تازه‌ای از سیاست بازی نمایشی به کار گرفته شده که مبتنی بر دیالکتیک بدن و تصویر است

به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

«معبداقیانوس» را یک اثر هیبریدی پاسمدرن کرده‌است. اما به نظر می‌آید در خلق این جهان نمایشی متکثر، کنار هم قرار گرفتن این تعداد از ژانرهای مختلف، گاهی بدون میانجی لازم صورت گرفته و تنها در زبان و گفتار شخصیت‌ها مدرن امروز است. نازنین حشمت‌دار در نقش زن یا همان پاملا فراتر از انتظار است. گویا اینکه پوریا شکیبایی هم کامیاب خوب ظاهر شده اما شاید چندان مناسب این نقش نبوده باشد.

نمایش دوم - معبداقیانوس

نمایشنامه «معبداقیانوس» بازگشت محمد میرعلی اکبری به فضاهای ماورالطبیعه و جادویی است که فی‌المثل در نمایش «سفر به نهایت دور» تجربه کرده. ماجرا در رابطه با یک منطقه دور افتاده در سال ۱۳۵۶ است که گویا قرن‌ها پیش، اتفاقات شگرفی در آن حادث شده و برای باستان‌شناسان امروزی بدل به مکانی گشته از برای آشکار کردن رمز و رازهای دوران باستان و دستیابی به میراث‌نیاکان گذشته. محمد میرعلی اکبری با تلفیق ژانرهای مختلف درام، جهانی خلق کرده که یادآور آثار مهم علمی-تخیلی، درام‌های پلیسی و تاریخ معاصر سیاسی است. از جاعاتی که به الهیات، تصوف، عرفان و مسائل علمی می‌شود،

حوزه‌های مختلف اجتماعی، سیاسی و تاریخی را نشان می‌دهد. به دیگر سخن، بدن بازیگران و حلال و هوای اجرا، این را جاعات را تعیین نمی‌بخشد و تنها گفتار متن نمایشنامه است که قرار است باورپذیری منطقی تاریخی نمایشنامه را به پیش برد. اما با تمامی این مسائل، نمایشنامه معبداقیانوس، واجد درامی پر کشش است که عناصر ژانری را رعایت کرده و تماشاگران را سرگرم می‌کند. نتاثر این روزهای ماچندان به فضاهای فراواقعیت علمی-تخیلی گشوده نیست و نمایشنامه «معبداقیانوس» تلاش کرده نقیبه به این جهان مغفول اما جذاب و تماشایی بزند. اتصال حوادث ملتهب سیاسی با مسائل علمی-تخیلی چون سفر در زمان، از نکات قابل اعتنای نمایشنامه است.

آرش فلاحت‌پیشه در جایگاه کارگردان، تلاش کرده با برگزاری کلاس‌های «تمرکز تابلو»، از هنر جوان آماتور و علاقه‌مند تئاتر، بازیگران مشتاقی بسازد که توانایی داشته باشند در یک اجرای حرفه‌ای، به عنوان بازیگر مشارکت کرده و هنرنمایی کنند. این شیوه تولید نتاثر به آرش فلاحت‌پیشه این امکان را داده که سر فرصت، با تمرین زیاد و ابداع یک اجتماع همدل از هنر جوان با استعداد و پیگیر، یک نمایشنامه را به مرحله اجرا در آورد. نمایش «معبداقیانوس» محصول این فرایند طولانی و دشوار است. بازی بازیگران با توجه به این مولفه‌ها، کامیاب قابل قبول است و اغلب آن‌ها توانسته‌اند از پس نقش‌های خود برآیند. در این میان حضور بازیگر توانایی چون سیدجواد حسینی در نقش «قباد» قابل اعتناست. او توانسته به تهنایی یک شخصیت مرموز، اساطیری و متفاوت را خلق کند و به نوعی تنظیم‌کننده لحن اجراء نسبت‌مابین واقعیت و فراواقعیت باشد.

احسان فلاحت‌پیشه با طراحی نور و صحنه، تلاش دارد فضای هیبریدی نمایش را تعیین بخشد. به لحاظ فضا سازی، دقایقی از اجرا بر آشکار شدن امر غریب بنا شده و دقایقی دیگر بر بازی‌های واقعیت زندگی روزمره در یک پاسگاه دور افتاده ژانر ادراک‌مندی، بنابراین تلفیق این دو فضای متفاوت، امری است دشوار که می‌بایست با دقت صورت گرفته باشد تا منطق درونی اثر واجد معنا شود. احسان فلاحت‌پیشه سعی کرده از تمامی فضای سالن اصلی مولوی استفاده کرده و یک فضای بزرگ مشترک خلق کند که چند سازه که شکل دیوار هستند آن را احاطه کرده باشد. اتاق‌هایی که فضای داخلی‌شان دیده نمی‌شود این امکان را مهیما می‌کنند که امور ماورالطبیعه را بازتاب دهند. تمهیدی خلاقانه از ساختن یک مکان دور افتاده و عجیب و غریب.



در نهایت می‌توان نمایش «معبداقیانوس» را تجربه‌ای قابل اعتنا در به صحنه آوردن تئاتری دانست که می‌خواهد تلفیقی باشد از ژانرهای مختلف. البته در این مسیر، به نظر می‌آید تک‌گویی‌های زن باستان‌شناس که بر صحنه مانیپول‌نمایان می‌شود گاهی به اجرا لطمه زده و آن را از ریتیم می‌اندازد. اما حضور دخترکی که همچون یک اجراگر و نه بازیگر، در صحنه حضور دارد و شکلی از فراواقعیت را به ذهن تداعی می‌کند تا حدودی خلاقانه و ناپهنگام است. اما این حضور هم می‌بایست منطق مستحکم‌تری ارائه کند و به چیزی بیش از این تبدیل شود. نمایش «معبداقیانوس» این روزها راهی تازه گشوده اما تا رسیدن به مقصد مسیر طولانی در پیش دارد.

دکتر مصفا منتقد وضعیت دانشکده ادبیات و به‌طور کلی دانشگاه تهران بود. او در ادامه انتقادهایی را درباره وضعیت دانشگاه مطرح کرد.

### از دست رفتن یکی از نادرترین دارایی‌های منظومه انسانی

قدسیه رضوانیان، از شاگردان این استاد فقید دانشگاه هم در سخنانی که برای امیربانو کریمی آماده کرده بود، گفت: بی‌تردید منظومه انسانی، یکی از نادرترین دارایی‌های خود را از دست داده است، روح بزرگی که به گفته شاملو «انسان را رعایت می‌کرد». امیربانو کریمی در خشکسالی عاطفه از سر چشمه روح زلالش، جریعه گوارای زندگی در نهال‌های پژمرده می‌ریخت و در برهوت مهرورزی سخاوتمندانه درهای مهربانی خویش را به سوی همگان می‌گشود. همچنین امیرحسین ماحوزی، استاد زبان و ادبیات فارسی در سخنانی گفت: آنچه از او به یاد می‌آید نگاه پرمی‌داری است که به عشق عمیق آکنده بود. باورش من را پیش می‌برد و صداقتش درس زندگی بود و شجاعتش الگویی بود که به من می‌آموزت. آنچه من از شعر آموختم این است که شعر درس آزادگی و عشق می‌دهد و حقیقت این است که امیربانو این را زندگی کرد. برای من مانند مادر بود و من به راستی امروز مادر را از دست دادم.

### مادر دانشکده به او «مامان» می‌گفتیم

آزاد از دیگر شاگردان او نیز گفت: همه مادر دانشکده به او مامان می‌گفتیم، شعر خوانی و حیدر عیدگاه طریقه‌ای و منیژه پورعلی از دیگر بخش‌های این مراسم بود. امیربانو کریمی نخستین فرزند کریم امیری فیروز کوهی، شاعر بنام، ۹۵ دی ماه ۱۳۱۰ در تهران زاده شد و دهم‌دی ماه جاری در ۹۲ سالگی از دنیا رفت. او در زمینه سبک‌های هندی و صائب‌شناسی متبحر بود. علی‌مصفا پسر امیربانو کریمی، لیلیا حاتمی، سرروش صحت، طیبه‌ای، روح‌امدی، محمد دهقانی، و حیدر عیدگاه طریقه‌ای، و روح‌الله هادی، الوند بهاری، دیگر اعضای خانواده و جمعی از دانش‌جویان امیربانو کریمی از حاضران در این مراسم بودند.



مهمترین خصیصه دکتر کریمی صداقت بود

محمد دهقانی، استاد پیشین دانشگاه، پژوهشگر و منتقد نیز در بخشی از سخنانش گفت: من متأسفانه خیلی دیر به دانشگاه تهران رسیدم و هیچ‌گاه نتوانستم شاگرد خانم دکتر باشم، گرچه در حقیقت پدم‌ولی آنچه باعث شد تا بلافاصله بعد از پذیرش در دکتری دانشگاه تهران، با اینکه با امیربانو کریمی درس نداشتم، به ایشان علاقه‌مند و با او دوست شوم، رفتار و گفتار صمیمانه و دور از ریاری او بود، در دست مانند دکتر مصفا. ایشان هم مهم‌ترین خصیصه‌شان صداقت‌شان بود. دکتر کریمی مانند